

دربارهٔ ترجمه

فریبرز مجیدی

از آن جا که ویراستاران گاه با متن‌های ترجمه‌شده‌ای سروکار دارند که باید آن‌ها را با متن‌های اصلی مقابله کنند و به اصلاحشان پردازند، پس ناگزیرند که از چندوچون این مهارت آگاهی کاملی داشته باشند و بدانند که هنر ترجمه فقط برگردان واژه به واژه جمله‌های یک متن نیست، بلکه وسیله‌ای است برای انتقال رسا و گویای پیام نویسنده به خواننده.

هر زبانی از لحاظ صرف و نحو ساختاری خاص خود دارد، و زبان‌ها از این لحاظ با یکدیگر متفاوت‌اند. در ترجمه، مطلبی از ساختار یک زبان (مبدأ) باید به قالب زبان دیگر (مقصد) ریخته شود، یعنی جامهٔ زبان دوم را بپوشد. در این میان، ضمن آن که نباید هیچ جزئی از محتوا یا معنی در زبان اول حذف شود، آن معنی و محتوا باید به روشن‌ترین و روان‌ترین صورت به قالب زبان دوم درآید و همهٔ نکته‌های مربوط به دستور زبان – خواه از حیث صرف و خواه از حیث نحو – به دقیق‌ترین وجه رعایت شوند. شرط تحقق این امر آن است که مترجم به هر دو زبان (مبدأ و مقصد) و نیز به موضوع و مضمون متن تسلط کافی و کامل داشته باشد، از به کاربردن غلط‌های مصطلح و رایج در زبان مقصد بپرهیزد، بهترین و درست‌ترین واژه‌ها و عبارت‌هایی را که بر منظور نویسندهٔ متن به روشن‌ترین وجه دلالت می‌کنند بر طبق منطق دستور زبان به کار برد، و از نشانه‌های سجاوندی به منزلهٔ وسیله‌ای در راه هرچه روشن‌تر ساختن مفهوم متن بهره برگیرد.

مترجمی می‌تواند به این هدف نایل شود که دقت و حوصله و خستگی‌ناپذیری از ویژگی‌های سرشتی او باشد، برای رفع کوچک‌ترین شبهه‌ای مرتباً به منابع و وارژنامه‌های مناسب مراجعه کند، به حافظه‌اش اعتماد کامل نداشته باشد، و پیوسته دامنهٔ اطلاعاتش را گسترش دهد.